



کشف جسد

تکه تکه شده

مرد دستفروش

ماموران را در برابر

معمای پیچیده‌ای

قرار داد که با کشف

سرنخ هایی، راز این

جنایت فاش شد



پرونده قتل مرد جوان که جسدش

تکه تکه شده بود، خاطره یکی از

افسران پلیس آگاهی تهران است

راز قتل مرد دستفروش

یک سرنخ

با کمک کوروش راهی خانه‌ای شدیم که آن روز ارشیا و پسر خواهرش به آنجا رفته بودند. به خانه قدیمی رسیدیم؛ خانه‌ای که در نزدیکی محل کشف جسد بود.

زنگ در خانه را زدیم. مردی چند دقیقه بعد در را برایمان باز کرد و ما وارد خانه‌ای با چندین اتاق شدیم که اتاق‌ها اطراف حیاط را گرفته بودند. اتاق‌هایی که به افراد مجرد اجاره داده می‌شد.

از مرد میانسالی که در را برایمان باز کرده بود شماره صاحبخانه را گرفتم و از او خواستم به اداره آگاهی بیاید. مرد صاحبخانه حدود یک ساعت بعد از تماس مقابل میزم ایستاده بود.

با مرد صاحبخانه شروع به صحبت کردم و از او در مورد شایان پرسیدم. او گفت: شایان پسر خوب و آرامی بود و دوماهی هم مستاجر بود، اما چند روز قبل تماس گرفت و گفت کار دارد و اتاق را خالی کرده است.

اثری از جنایت

همراه صاحبخانه راهی اتاق شش متری شایان شدیم. آنجا خیلی زود اجاره داده شده بود و از مستاجران جدید خواستیم اتاق را ترک کنند. در بازرسی از اتاق، لابه‌لای درز موزاییک‌ها، آثار خون پیدا کردیم. آثار خونی که بی‌شک متعلق به ارشیا بود.

حالا دیگر مطمئن بودیم شایان در این جنایت نقش دارد و

حدود ۲۰ سال قبل بود که رهگذری با پلیس تماس گرفت و از کشف نیم‌تنه مردی خبر داد. بلافاصله راهی محل شدیم. نیم‌تنه داخل کارتنی بود و از اجزای دیگر بدن خبری نبود. در حال تحقیق بودیم که گزارش کشف دو پا در چند کوچه پایین‌تر به ما اعلام شد. احتمال می‌دادیم که پاها متعلق به جسد پیدا شده است.

کشف بدن مثله شده

نیم‌تنه و پاها که متعلق به مردی بود، به پزشکی قانونی منتقل و با توجه به محل بریدگی مشخص شد که آنها متعلق به یک بدن است.

در نهایت ۲۴ ساعت بعد سر و دست‌های مقتول کشف شد. در معاینات بعدی پزشکان قانونی علت اصلی مرگ، اصابت ضربات متعدد جسم تیز و برنده به پشت و قفسه سینه مقتول اعلام شد.

برای شناسایی هویت جسد به انگشت‌نگاری پرداختیم. با انجام انگشت‌نگاری، هویت مقتول به نام ارشیا را به‌دست‌آوردند. پسر جوانی که سوابق کیفری زیادی داشت. در ادامه تحقیقات دوستان ارشیا را شناسایی کردیم و سراغ یکی از آنها رفتیم.

کوروش مدعی بود که ارشیا به خاطر دستفروشی جای ثابتی ندارد و بیشتر در مسافرخانه‌های اطراف ناصرخسرو و گاهی در پارک‌ها می‌خوابد. این اواخر هرجا می‌رفت با پسر خواهرش می‌رفت. شاید او بتواند به شما کمک کند.

پسر خواهر جعلی

حرف‌های کوروش برای ما کمی عجیب بود، چراکه در تحقیقات از خانواده مقتول آنها گفته بودند از پسرشان خبری ندارند و حرفی از پسر خواهر ارشیا و ارتباطش با قربانی نزنده بودند. به همین دلیل دوباره درخصوص پسر خواهر ارشیا از کوروش سوال کردیم و او گفت: «پسری ۱۸ساله بود به نام شایان که همه جا با هم بودند. همین رفتارها مرا به آنها مشکوک کرد و باعث شد که یک روز آنها را تعقیب کنم. بعد از نیم‌ساعتی آنها وارد خانه‌ای قدیمی در یکی از محله‌های جنوب تهران شدند، ارشیا کلید داشت و با همان کلید در را باز کرد.»

